



اشاره:

آیا حضور دولت‌ها در هر بازاری نیاز است؟ این سوالی است که در مصاحبه پیش رو به آن پاسخ داده‌ایم. صحبت‌های فرشاد فاطمی، اقتصاددان نشان می‌دهد که در دنیا، دولت‌ها فقط بازارهای انحصاری را در کنترل دارند و در بازارهای رقابتی هیچگاه مداخله نمی‌کنند. این در حالی است که در ایران حاکمیت بدون هیچ حد و مرزی در هر بازاری مداخله می‌کند. در حالی که مداخله در بازار دامنه و روش مشخص و محدودی دارد و در دنیا با رعایت این اصول، عملکرد بازار مختل نمی‌شود. در گفت‌وگوی پیش رو به این پرسشها پاسخ داده‌ایم که چرا سیاست‌های تنظیم بازار در ایران نتیجه عکس داده است و حاکمیت در هر بازاری ورود کرده، آن بازار دچار تنش شده است. همچنین با توجه به تلاطم‌های بازار در دو تا سه سال اخیر، نقش سیاست‌های ارزی در اختلال بازارها موضوع دیگری است که دکتر فاطمی به آن پرداخته است.



حضور بی‌حد و مرز

گفت‌وگو با دکتر سید فرشاد فاطمی - اقتصاددان

حالا این بازار می‌تواند بازار پرتقال شب عید باشد، بازار مرغ باشد، بازار خودرو باشد یا بازار مسکن. یعنی سیاستگذار فکر میکند باید در همه این بازارها مداخله کند. در این زمینه نه اصول اینکه کجا باید مداخله کرد و نه بعضاً روش صحیح مداخله رعایت می‌شود. در حال حاضر می‌بینیم هر جا که ستاد تنظیم بازار در ایران ورود کرده است، نتیجه عکس گرفته شده است، یعنی این ستاد خواهان کنترل و مدیریت بازار بود، در صورتی که در همان بازار آشفتگی ایجاد شد. درست است؛ پس به نکته قبلی برگردیم؛ یعنی در بعضی از جاها احتیاج به مداخله نبوده است و اصلاً در بعضی از بازارها باید در کوتاه‌مدت کمبود پیش آید تا از طریق تحریک عرضه در بلندمدت و میان‌مدت مسئله حل شود. بازار پرتقال شب عید بازاری نیست که نیاز به مداخله داشته باشد، خصوصیت شب عید این است که

خیلی از کشورها انجام می‌شود؛ منتها موارد آن محدود است. مشکل ما در ایران این است که حاکمیت می‌خواهد بدون حد و مرز در هر بازاری که احساس کرد مداخله باعث افزایش رفاه مصرف‌کننده می‌شود؛ مداخله کند. در حالی که مداخله کردن در بازارها در دنیا قاعده‌ای دارد و بر اساس آن دولت‌ها وارد می‌شوند. مداخله قاعده‌تاً باید در بازاری رخ دهد که در آن درجه‌ای از قدرت بازار یا انحصار وجود داشته باشد. یا بعضی از کالاها ممکن است انحصاری نباشند ولی کالاهای ضروری محسوب می‌شوند؛ در این بازارها نیز دولت‌ها مداخله کنند. اما این مداخلت به این صورت است که دامنه و روش، مشخص و محدود است و عملکرد بازار را مختل نمی‌کند. این در حالی است که در ایران به محض اینکه احساس کردیم در یک بازار عدم تعادل وجود دارد وارد آن بازار می‌شویم؛

■ آیا اصولاً تنظیم بازار در دنیا کار درستی است یا خیر؟ اگر درست است چرا در ایران چندان جواب نمی‌دهد؟
مداخله کردن در بازار یا اصطلاحی که ما به آن تنظیم بازار می‌گوییم اقدامی است که در

تقاضا برای میوه زیاد می‌شود، میوه کم می‌شود و در نهایت قیمت‌ها بالا می‌رود. اگر ۲ الی ۳ سال این اتفاق بیفتد و دولت مداخله نکند، بازیگران بازار یاد می‌گیرند که در این زمان باید چه کار کنند، البته نهایتاً مقداری نوسان هم برای ایجاد انگیزه در بازار لازم است که عرضه و تقاضا را با هم انطباق دهد. نکته دوم این است که در بعضی از جاها دلیل عدم تعادل، همان دخالت‌های اولیه دولت بوده است. مثال ما برای کالایی مثل خوراک مرغ دلار ۴۲۰۰ تومانی تزریق کردیم؛ منتها حواسمان نیست که کالای نهایی، یک کالای قابل مبادله است و خود را با نرخ نهاده‌ها لزوماً تنظیم نمی‌کند. وقتی ذرت با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود، لزوماً به عنوان نهاده مصرف نمی‌شود و ممکن است به جای دیگری وارد شود. از طرفی مرغ کالایی است که قیمت جهانی دارد و می‌تواند از مرزها جابجا شود. به همین دلیل چون در ابتدای کار دخالت نابجا صورت گرفته، سیاستگذار به دنبال اثر تصمیم اشتباه خود در بازار، اشتباه بعدی را که همان مداخله است انجام می‌دهد. پس عملاً با دو مسئله در این‌باره روبرو هستیم. یکی اینکه سیاستگذار و متولیان صورت مسئله را بد متوجه می‌شوند. در واقع نباید مداخله‌ای در بازارها وجود داشته باشد و اگر مشکلی هم ایجاد شد باید مسائل به روال طبیعی خود و احتمال با مداخله حداقلی از طریق ساز و کار بازار حل شود. دیگر اینکه اشتباه در جای دیگری صورت گرفته و سیاستگذار می‌خواهد به جبران آن اشتباه، در بازار دیگر مداخله کند. حتی در مورد کالاهای اساسی و ضروری، اگر قرار بر مداخله در این بازار است، دولت باید با مکانیزم‌های بازاری وارد شود.

■ پس برای مداخله هم استفاده از شیوه ورود به بازار مهم است؟
بله؛ مثال فرض کنید به دلیل نوساناتی که

در بازار نهاده‌ها رخ می‌دهد گوشت مرغ قرار است نایاب شود یا مثال آرد کم شود، در این‌طور موارد دولت‌ها در اکثر کشورهای دنیا ذخایر استراتژیک دارند، یعنی زمانی که آن کالا به وفور وجود دارد، آن را می‌خرند و زمانی که کمبود است به بازار تزریق می‌کنند. در ایران هم قاعدتاً این کار باید از طریق شرکت بازرگانی دولتی که وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت است انجام شود. منتها آنقدر مداخلت دیگر صورت می‌گیرد که اجازه نمی‌دهد این وظیفه به درستی انجام شود. اما اگر دلار از ۴۲۰۰ تومان به ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان افزایش یافت، دیگر هرچقدر هم کالا در انبار موجود باشد، نمی‌توان جلوی نوسان قیمت در بازار را گرفت. این در حالی است که دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را به برخی از کالاهای اختصاص می‌دهد و به زعم خود می‌خواهد از افزایش قیمت جلوگیری کند. حال آنکه بازار تابع شرایط اقتصادی است. به عنوان مثال نهاده‌های دامی با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود، اما قیمت مرغ و گوشت دائماً در بازار افزایش می‌یابد. گویا سیاستگذار متوجه نیست که ارز ۴۲۰۰ تومانی ممکن است در مراحل انتقال منحرف شود. ممکن است رانت بزرگی ایجاد کند. تصور کنید دلار ۴۲۰۰ تومانی کجا و دلار ۲۵ هزار تومان کجا؛ اینکه ما انتظار داشته باشیم فعالین اقتصادی به توصیه اخلاقی ما گوش کنند و کالایی که با ۴۲۰۰ تومان وارد کرده‌اند را با همین قیمت به مردم بفروشند، تصوری اشتباه است. هزینه نظارت بر این فرآیند خود فرآیندی هزینه‌بر و عملاً غیرممکن است.

■ به نظر می‌رسد از سال ۹۷ و بعد از تصویب دلار ۴۲۰۰ تومانی، بازارها دچار تلاطم‌های زیاد شد؛ درست است؟

ببینید هرکجا که ناترازی در بازار ارز اتفاق افتاده است و دولت نتوانسته که آن ناترازی را با منابع ارزی خود کنترل کند این اتفاقات رخ داده است. مثال یک بار در سال ۹۷، یک

بار در اوایل دهه ۹۰، یک بار در سال ۷۴، یک بار در دهه ۶۰ و یک بار در دهه ۵۰ قبل از انقلاب.

یعنی به نظر می‌رسد سیاستگذاران ما فارغ از اینکه در کدام رژیم و کدام حزب بوده‌اند، از اشتباهات خودشان و پیشینیان خود درس نمی‌گیرند و هربار همان اشتباهات را تکرار می‌کنند.

در تمام دنیا ورود دولت‌ها به بازار در بخش‌هایی است که انحصار وجود دارد. آن هم اغلب انحصارهای طبیعی است. مثال بازار برق و بازار آب چون انحصار طبیعی هستند دولت‌ها معمولاً در آن مداخله می‌کنند. اگر نظارت در این بخش‌ها نباشد انحصارگران می‌توانند رفاه مصرف‌کننده را به شدت کاهش دهند. در عین حال ممکن است برخی دیگر از بازارها هم انحصاری شناخته شوند. مثل بازار خودرو که بازاری با قدرت تمرکز بالا است با بازیگرانی که شدیداً قدرت لابی‌گری دارند.

ورود در این بازارها نیز با شیوه‌های خاص انجام می‌شود. در این مورد باید تلاش شود رقابت توسعه یابد. در حال حاضر در ایران کاری که شورای رقابت می‌کند این است که می‌گوید این بازار انحصاری است پس برای آن قیمت بگذاریم. در حالی که این بازار می‌تواند انحصاری نباشد. چرا تلاش نکنیم که انحصار را در آن کم کنیم؟ چرا تلاش نکنیم رقابت را توسعه دهیم؟ در مقیاسی که بازار خودرو در ایران دارد و مصرفی که وجود دارد و سطح تولیدی که لازم است تا صنعت خودرو اقتصادی شود، این بازار در کشور با تولیدکننده داخلی نمی‌تواند رقابتی شود.

تنها روش این است که بازار خودرو به روی واردات باز شود یا اینکه خودروساز بتواند محصولی تولید کند که آن را صادر کند. حالا از این جنبه توجه کنید؛ وقتی ارز ۲۵ هزار تومان می‌شود همه صنایع غذایی به سمت صادرات می‌روند و ما نگران می‌شویم که گوجه

بعضی اوقات می‌خواهید جلوی نوسانات کوتاه‌مدت را بگیرید. مثال ممکن است در عادی‌ترین شرایط هم که دخالت ارزی وجود نداشته باشد، شیوع یک بیماری گوشت مرغ را در بازار کم کند. ما نمی‌گوییم در صورت این اتفاق هیچ سیاست جبرانی‌ای نباید وجود داشته باشد. منتها سیاست جبرانی باید با منطق بازار مداخله کند. یعنی باید ذخیره استراتژیک وجود داشته باشد و در آن مدت با آن ذخیره بازار مدیریت شود. البته اگر آن بیماری از یک حدی شدیدتر باشد ذخایر استراتژیک هم تا یک جایی می‌تواند بازار را مدیریت کند و بعد از آن دیگر قابل کنترل نیست.

دوم آنکه اگر هدف‌گذاری رفاه مصرف‌کننده‌ها است، به جای اینکه سیاستگذار در کل زنجیره اختلال ایجاد کند، باید به مصرف‌کننده کمک کند؛ مثال یک یارانه به مردم بدهد تا خودشان تصمیم بگیرند که با قیمت‌های جدید با پولشان مرغ بخرند، یا گوشت، خرما و... در این صورت در نظام بازار اختلال ایجاد نمی‌شود.

دقت کنید به نظر من یکی از هدفمندترین یارانه‌هایی که پرداخت می‌شود، یارانه نان است. خانواده‌های ضعیف، مصرف‌ناشان بیشتر از بقیه است. اما حتی معمولاً در آنجا هم ارزش آردي که به نانوايي‌ها داده می‌شود با ارزشی که واقعاً این کالا دارد، خیلی متفاوت است. آرد را با قیمت خیلی پایین به نانوايي می‌دهیم، در حالی که با این کار بهره‌وری را کاهش می‌دهیم. نتیجه آنکه با آرد ارزان نانی تولید می‌شود که از هر تعداد معدود، حداقل یک عدد قابل استفاده نیست. اینجاست که نانوايي‌ها آن نان غیر قابل استفاده را ذخیره می‌کنند و بعد آن را به قیمت گران‌تر به کسی که گاوداری دارد می‌فروشند. وقتی یک نهاده ارزان است بهره‌وری آن کالا لازم نیست چندان بالا باشد. چون با بهره‌وری پایین هم می‌توان هزینه نهایی آن نهاده را پوشش داد.

راهکارها بسته به نوع بازار متفاوت است. زمانی بازاری مانند نهاده‌های دامی وجود دارد که دچار اختلال می‌شود. ما این نهاده‌ها را با قیمت پایین وارد می‌کنیم یعنی خودمان از طریق تخصیص ارز با یک نرخ متفاوت در آنجا اختلال ایجاد می‌کنیم. بهترین راهکار این است که این اختلال را حذف کنیم. ناترازی در ارز را نمی‌توان آنجا تنظیم کرد. اگر می‌خواهیم کاری انجام دهیم باید در بازار محصول نهایی مداخله کنیم.

ما در این شرایط عنوان می‌شود که قیمت‌ها بالا می‌رود...

قیمت‌ها خواه ناخواه بالا خواهند رفت. از زمانی که ما تلاش کردیم اولاً قیمت نهاده‌های دامی را برای تولید مرغ با ارز ۴۲۰۰ ثابت نگه داریم شما ببینید قیمت مرغ چقدر نوسان داشته است. این یعنی سیاستی که ما داشتیم، کار نمی‌کند. وقتی تنها ابزار سیاست‌گذاری چکش است، همه مشکلات را به شکل میخ می‌بینیم!

* یعنی تکرار این سیاست اشتباه بود و این سیاست باید حذف شود ولی سیاست‌گذار همچنان اصرار دارد که این کار را انجام دهد این سیاست، سیاستی است که به صورت تاریخی نشان داده که اثربخشی ندارد. شما

یا ماهی تن یا... در کشور کم شود؛ چون ممکن است صادرکننده این کالاها را با دلار ۲۵ هزار تومان صادر کند که نفعش زیاد است و استقبال از صادرات، آن کالا را در کشور نایاب کند. منتها این اتفاق چرا برای خودرو پیش نمی‌آید، یعنی خودروساز ما حتی با ۵ برابر قیمت ارز هم نمی‌تواند به صورت دائم خودرویی برای صادرات داشته باشد، چون تقاضای چندانی برای آن وجود ندارد. در واقع صنعت خودروی ما در تراز بین‌المللی کار نمی‌کند و به همین دلیل، نمیتواند با دنیا رقابت کند. پس عملاً خودروساز می‌گوید مرزها را ببندید تا من به تنهایی در داخل کشور کار کنم و به هر قیمتی که خواستم بفروشم.

اشکالاتی که تصمیمات شورای رقابت دارد و من با آنها مخالف هستم این است که به مسئله اول که همان افزایش رقابت‌پذیری است نمی‌پردازد ولی مسئله دوم را مورد توجه قرار می‌دهد؛ حال آنکه پرداختن به مسئله دوم صنعت خودروی ایران را رقابتی نمی‌کند.

در حال حاضر فکر می‌کنید با شرایطی که ستاد تنظیم بازار پیش می‌رود و دائماً شکست می‌خورد، چه راهکاری برای رسیدن به آرامش در بازارها وجود دارد؟

